



## آخرین شعر

توی دنیایی که دور از توست

شاعری تنها و بی‌تابم

گاه‌گاهی توی اشعارم

رد پایی از تو می‌یابم

شعر تا عطر تو را دارد

توی شعرم از تو می‌گویم

در هوایت لابه‌لای آن

واژه‌ها را خوب می‌بویم

شعرها تا از تو می‌خوانند

لذتی غیر از شنیدن نیست

چشم ما کی می‌شود روشن؟

چون شنیدن مثل دیدن نیست

مجلس ختم غزل‌هایم

مطمئناً در حضور توست

آخرین شعری که می‌گویم

اولین روز ظهور توست

یحیی علوی فر